

دیپلماسی اسلامی:

بحثی پیرامون مدیریت سیاست

خارجی جمهوری اسلامی

در عرف سیاسی، «دیپلماسی» به فن اداره سیاست خارجی اطلاق می شود و عوامل دست اندرکار سیاست خارجی اصطلاحاً «دیپلمات» خوانده می شوند. در حالی که نظام حاکم بر کشورها برشالوده: ۱- شرک و بی خدائی. ۲- تکاثر و حاکمیت زور و ثروت. ۳- استضعاف و غصب حق حاکمیت ملت ها استوار است، دیپلماسی جهانی نیز نمی تواند محورهای متفاوتی برای حیطة عمل خود اختیار کند. بر این اساس چهارچوب طبیعی دیپلماسی این نظام عبارت است از:

- ۱- اصالت دولت ها، یعنی به رسمیت شناختن غصب حق حاکمیت مشروع ملت ها.
- ۲- آزادی عمل در شیوه بکارگیری وسایل در پرتو اهداف استکباری.

با پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک قدرت تازه در برابر استکبار جهانی، به ویژه آمریکا- ظاهر شد. قدرتی که بر اساس و بزرگیهای خود یعنی:

- ۱- الهی بودن نیت، ۲- الهی بودن بنیانهای نظام و ۳- الهی بودن رهبری، قادر است در حدى گسترده نیروهای مؤمن و مستضعف در داخل و خارج را بر علیه سلطه استکباری بسیج نموده و عملاً موجودیت نظام حاکم را مورد تهدید قرار دهد. جمهوری اسلامی ایران اکنون به عنوان قدرتی صاحب عقیده با مبانی حکومتی، الگوهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و در عین حال واجد پایگاه در قلب ملتها رودرروی تمامی کفر جهانی قرار گرفته است. این قدرت و این پایگاه راز سازش ناپذیری آن با نظام کنونی عالم است. بر اساس تجربه استکبار جهانی با حرکت های ملی و استقلال طلب - چنانچه اصالت و صداقتی نیز داشته باشند- اگر فاقد عقیده و مکتب و یژه ای قابل گذر از مرزهای امن استکبار جهانی و برقراری ارتباط با ملت ها بوده و منافع آن را تهدید نماید، همزیستی دارد ولی چنانچه جنبشی فراسوی مرزهای استکباری با حربه ای نو و نافذ، در مطامع آن پنجه اندازد و گردن فرازی نماید با تمام قدرت به مقابله با آن خواهد پرداخت.

بدیهی است اهداف و استراتژی های این نظام، در عرصه خارجی، می بایست با مبانی الهی آن هماهنگی داشته و در خدمت تحقق نیت متعالی انقلاب اسلامی قرار گیرد. قدرتهای جهانی در برابر این اهداف و پشتوانه عظیم انسانی آن احساس خطر کرده و عملاً با حل تضادهای مقطعی خود بایکدیگر به وحدت می رسند. اگر بناسست که در چهارچوب چنین اهدافی، با گسترش اسلام در جهان و ایجاد وحدت بین جهان اسلام، پایه های کفر و ظلم جهانی فرو ریخته و حکومت عدل و حق در جهان استقرار یابد، استکبار جهانی نیز گریزی ندارد جز اینکه در جهت نابودی متادی این وحدت و تلاشی پایه های آن، با بهره گیری از همه ابزارهای تبلیغی، سیاسی، اقتصادی و نظامی خود همت کند. این صحنه کارزاری



است که سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی باید خود را برای زور آزمایی و عمل در آن آماده سازد. سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌بایست با توجه به واقعیات و پیچیدگیهای چنین عرصه‌ای طراحی شود. رسیدن به اهداف تازه به ابزارها و روشهای تازه نیازمند است. با ابزارها و روشهای غیر مکتبی تحصیل نتایج مکتبی امکان پذیر نیست و چنانچه ضعف بینش اصیل مکتبی، عدم پیوند قلبی با نیروی لایزال امت مسلمان، غرب باوری یا شرق باوری گام نهادن به چنین ورطه‌ای را اجتناب ناپذیر سازد، شکست سرنوشت محتوم سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواهد بود. بازی در چهارچوب ابزارهای غیر مکتبی جهان کنونی بدلائل متعدد من جمله:

۱- تسلط نظام دیپلماسی استکبار جهانی بر این ابزارها.

۲- کنترول رسانه‌های همگانی بوسیله استکبار جهانی به ویژه آمریکا و صهیونیسم.

۳- عدم شناخت و توانائی دست اندرکاران دیپلماسی جمهوری اسلامی در بکارگیری آنها.

و مهتر از همه ۴- غیر اسلامی بودن عمده این ابزارها، علاوه بر اینکه قادر نیست جمهوری اسلامی را در رسیدن به اهداف خودیاری دهد قابلیت ضربه پذیری آنها تا حد زیادی بالا خواهد برد. ایجاد یأس و تزلزل در باور مخاطبین اصلی دیپلماسی جمهوری اسلامی بین ملت‌ها نیز نتیجه طبیعی این بازی است.

بهترین مثال در این زمینه، نحوه پیشرفت مراحل مختلف جنگ تحمیلی از آغاز تا کنون است. سد تهاجم نظامی نیروهای متجاوز عراقی به خاک میهن اسلامی دقیقاً همگام با انجام صفوف مردمی، اتخاذ شیوه‌های مردمی و حضور گسترده تر امت حزب الله در جبهه‌های جنگ با موفقیت بیشتر انجام گرفت. عملیات تدافعی جمهوری اسلامی در ماههای اولیه جنگ، با وجود حمایتی گسترده معنوی، مالی، تدارکاتی امت مسلمان، عمدتاً به دلیل محور ساختن عملیات کلاسیک و متعارف نظامی و تکیه انحصاری روی آنها، مقابله با دشمن با تاکتیکهای مشابه و ضعف حضور تشکیلاتی و فعال نیروهای مردمی در جبهه‌ها، هرگز نتوانست کارائی لازم را داشته و تجاوز را به نحو مطلوب دفع نماید. عملیات عظیم ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، الی بیت المقدس و همچنین مراحل مختلف تهاجمی محرم، مسلم بن عقیل و والفجر که منجر به آزادی بسیاری از سرزمین‌های اشغالی و خاک عراق گردید، و کلاً پس از عزل بنی صدر خائن و در نتیجه حذف بینش انحرافی وی در مدیریت امر دفاع انجام گرفت، نمونه‌های بارزی از کارائی روشهای اسلامی و مشی مکتبی در دفاع و بر همین اساس بهره‌گیری شایسته از سلاحهای متکی بر ایمان رزمندگان اسلام بود.

راز ظفر بر دشمن سر تا پا مسلح و حمایت شده از سوی تمامی کفر جهانی، مقابله با آن با سلاح بی بدیلی بود که وی روشهای

برخوردد با آن را نمی‌دانست. نیروهای عراقی در عین حال که به میگ، میراث سوپر اتاندارد و میلیاردها دلار کمک مالی دول مرتجع عرب مجهز بودند هیچگاه توان بکارگیری و مقابله با سلاح «تقوا، شهادت» و «ایثار» را نداشتند. استکبار جهانی در برابر سیاستهای مکتبی، شعارهای مکتبی، منش‌ها و روشهای مکتبی، بی سلاح و کوراست و همین نمود و تجلی مکتبی جمهوری اسلامی است که اینچنین آن را در برابر همه توطئه‌ها و تهاجمات مقاوم و استوار ساخته است.

نظام سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌بایست برای پاسخ به نیازهای فزاینده و توطئه‌ور انقلاب اسلامی، در جهانی که هر روز چهره متخاصم‌تری به خود گرفته و سیاست‌های تهاجمی تازه‌ای ابداع می‌کند، همواره در حال تغییر و تحول بوده و بازسازی شود. بازسازی و تحولی که در همه ابعاد انسانی، فرهنگی و سیاسی فراگیر بوده و چهره خارجی جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر با الگوهای اصیل مکتبی تطابق بخشد. در این عرصه به یاری خداوند گامهای قابل توجهی برداشته شده است. ساخت و ساز ریشه‌ای نظام سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی می‌بایست در جبهی انجام گیرد که بتواند:

۱- ایمان فطری و الهی در ملت‌ها را رشد داده و آنها را - رسته از زنجیر سلطه همه جانبه استکبار جهانی - به خویشن الهی خویش باز گرداند.

۲- قلوب ملت‌ها را جذب کرده و بین آنها الفت و همبستگی ایجاد نماید.

۳- استکبار جهانی را رسوا ساخته و صفوف متحد ملت‌ها را در برابر آن به حرکت در آورد.

چنین توانی تنها در پرتو حضور زنده و فعال و حاکمیت یک فرهنگ و یژه، نشأت گرفته از اسلام، در حرکات سیاست خارجی و دیپلماسی جمهوری اسلامی امکان پذیر است. فرهنگی که جمهوری اسلامی را قادر سازد تا به عنوان نمونه عملی یک نظام اسلامی، مبلغ دین محمد «ص» بوده و با رسوخ در قلوب مسلمین و مستضعفین، اهرم‌های فشار خود را علیه استکبار جهانی به نحو مطلوب بکار گیرد.

نتیجه طبیعی حضور این فرهنگ در عرصه دیپلماسی جمهوری اسلامی، کسب هویتی ویژه و مکتبی در ابعاد زیر خواهد بود:

۱- تاکتیکها و خط مشی‌ها.

۲- برخوردهای دیپلماتیک و تشریفاتی.

۳- عوامل انسانی دست اندرکار دیپلماسی.

۴- سیره و اخلاق سیاسی.

احراز تمام و تمام هویت و یژه اسلامی در ابعاد فوق است که جاذبه آفرین، الفت بخش، نیرو دهنده صفوف ملت‌ها و رسواگر استکبار جهانی بوده و عملاً اسلام را در برابر کفر به نمایش خواهد

گذاشت. هریک از موارد چهارگانه فوق جای بحث فراوان دارد و بجاست که در موقعیت مناسب بطور مستقل مورد بحث و بررسی قرار گیرد و امید که نگارنده در آینده خود توفیق و توان قلم زدن در این عرصه را داشته باشد.

در این مختصر، تلاش بر این است که اشاره‌ای - صرفاً در حد ذکر عناوین - به ویژگیهای عمده هویت اسلام دیپلماسی جمهوری اسلامی در بعد سیره و اخلاق صورت گیرد. با این آرزو که فضایی ارجمند حوزه‌های علمیه و صاحبان نظر با پرداختن به این مهم عرصه را برای رهروان آن هر چه روشن‌تر نمایند.

اخلاق سیاسی اسلامی در بُعد سیاست خارجی از گنجینه ژرف اخلاق اسلامی تغذیه می‌کند و کاربرد عملی اخلاق اسلامی در حرکات و سیاستهای خارجی است. بدیهی است که گزینش اصول اخلاق سیاسی از معارف اسلامی و کاربرد آن عمیقاً به خلوص، بینش و اخلاق فردی کارگزاران سیاست خارجی متکی است و چون همه ابعاد مدیریت اسلام به درجه خلوص، تزکیه و تقرب مسئولان و نتیجتاً قابلیت آنان در دریافت هدایت قلبی و اتخاذ سیره و سلوکی مطلوب خدا و رسول خدا «ص» بستگی دارد، و به عبارت روشن‌تر، نیست خدائی و ترس از خدا در جهت گیری‌ها، عمل به واجبات و پرهیز از محرّمات و منکرات سیاسی، ضرورت حتمی و اولیة تجلی آثار هویت و یژه اسلامی است و جمهوری اسلامی بدون مسئولان و ضوابطی که عامل در این محدوده باشند قادر به نمایش اسلام واقعی نبوده و به اهداف مورد نظر دست نخواهد یافت. لازم به یادآوری است که سه خصیصه «خدا معیاری»، «خود باوری» و «ملت باوری» که ذیلآ نام برده می‌شوند از ویژگیهای اساسی و تعیین کننده در کلیه موارد چهارگانه فوق و در عین حال در تدوین اصول سیاست خارجی می‌باشند:

۱ - خدا معیاری:

«با ایها الذین آمنوا لاتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء» (سوره ممتحنه - آیه ۱)

برخورد اصولی و چاره‌ساز با جهان و مسائل خارجی جمهوری اسلامی امکان پذیر نیست مگر اینکه «دوری» و «نزدیکی» با خدا چهارچوب زیربنائی در برقراری رابطه‌ها و زمینه اصلی موضع گیری‌های سیاسی باشد. بر این اساس، بینش محوری در سلوک سیاسی جمهوری اسلامی، «دوستی با دوستان خدا» و «دشمنی با دشمنان خدا» است و دست آوردی سیاسی و مقطعی که بدون توجه به این معیار حاصل شود، بی‌تردید «فانی» و «شکننده» خواهد بود.

۲ - خود باوری:

«لا تهسوا ولا تحزنوا واتم الاعلون ان کتم مؤمنین» (آل عمران آیه

۱۳۹)

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا

و به سوی ستمکاران میل و رغبت نکنید (سوره هود آیه ۱۱۳)

فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ

نار که آتش بگیرد شما را متوارسند و در آتش حال جز خداوند دوستانتان

دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

سرای شما نخواهد بود پس هرگز ساری نخواهد شد

مقصود از «خود باوری» اعتماد به خود - نظام جمهوری اسلامی - به عنوان یک قدرت شکست ناپذیر متصل و متکی به خدا و قوت گرفته از سرچشمه جوشان فطرت خداجوی انسان‌هاست. باور به «خود» اصل اساسی در برخورد پرروزمندان به بن بست‌ها، قدرت‌ها، مشکلات پیچیده سیاسی و توطئه‌های استکبار جهانی است و چه بسا سازش‌ها، انعطاف‌ها و تسلیم‌ها که از ضعف این باور و فقدان ایمان به خدا ناشی می‌شود بر این اساس، تقویت روح ایمان به خود همواره از محورهای عمده ارشادات امام امت بوده است.

«شما یک ملت قوی هستید که به شما با نظر کوچکی نگاه نمی‌کنند مگر اینکه خودتان خود را کوچک بنظر آورید». و در جای دیگر خطاب به سفرا و کارداران جمهوری اسلامی: «در برخوردتان با کشورهای دیگر مثل ابرقدرت‌ها برخورد کنید. شما ابرقدرت هستید، زیرا خدا با شماست.»

۳ - ملت باوری:

«ملت باوری» در برابر «دولت باوری» قرار دارد و مفهوم آن اصالت دادن به ملت‌ها به عنوان اهرم اصلی در حرکت ضد استکباری انقلاب اسلامی است. ملت‌های بیدارپاخاسته، با هدایت فطرت الهی خود، بازوی اصلی مقابله با کفر جهانی و تنها سلاح کارآمد بر علیه ابرقدرتها و وابستگان به آنها هستند و بی تردید هرگونه سستی در این باور به مفهوم اصالت دادن به دولت‌ها، چه در گفتار و چه در عمل - ضربه‌ای مستقیم به این بازو بوده و کارآئی آن را تقلیل خواهد داد. در این زمینه نیز امام امت همواره تأکید داشته‌اند:

«میزان نظر ملت‌های مظلوم است.»

«باید به فکر مردم بود نه دولتها.»

«هرچه ضعف و فساد در مسلمین است از دولت‌هاست.»

«ما باید منزوی بشویم تا مستقل شویم.»

«برای ما انزوا هیچ مطرح نیست. ما آن روز که منزوی نبودیم

جمهوری اسلامی از سوی عوامل استکبار جهانی با آن مواجه است
بیشتر می شود.

۸- صداقت و صراحت:

تطابق اعمال با گفتار، پرهیز از کذب و عدم بهره گیری از مواضع
و شعارهای فاقد پشتوانه عملی، ضرورت فاصله گرفتن از موازین
باطل دیپلماسی احاکم و روند سالم دیپلماسی اسلامی بوده و خلاف آن،
بدلیل تأثیری که در پی اعتماد ساختن ملت ها و ایجاد خطر ورود به
جرگه دیپلماسی نظام کفر جهانی دارد، ضربه پذیری انقلاب
اسلامی را افزایش خواهد داد.

۹- واقع گرایی:

توجه به واقعیات، آگاهی نسبت به حقایق سیاسی جهان و
بهره گیری به جا از موقعیتها به نفع اسلام، بدانگونه که به اصول
اساسی اسلامی خدشه ای وارد نشود، ضرورت مهم عمل سیاسی
اسلامی در جهت تأمین منافع جمهوری اسلامی و حفظ کیان اسلام
است.

۱۰- احترام به عهد:

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعهد».

احترام به عهد و پیمان در عین حال که از اصول زیربنایی
اخلاق فردی است، ضرورت اجتناب ناپذیر اخلاق سیاسی نیز هست
و ابعاد آن حتی مشرکین و کفاری را که خود بر پیمان با اسلام
استوار بوده و آن را زیر پا نگذاشته اند در بر می گیرد.



مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ
أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
و در برابر کفار سخت و با انصاف ناپذیر و در جمع منافقان مهربان و مودت مند

همه گرفتاریها را داشتیم و حالا که منزوی هستیم، مستقل هستیم.»

۴- شدت و انعطاف ناپذیری:

«مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» (فتح: آیه ۲۹)
حفظ روحیه تهاجمی در برابر گردن فرازان، توطئه گران و
مخاصمان با انقلاب از ابزارهای عمده حفظ حریم اسلام و دفاع از
مرزهای اسلامی است. نرمش، انعطاف و تواضع در برابر گردن
فرازان در آنان ایجاد طمع کرده و سیج نیروها و بازسازی آنها بر علیه
اسلام را امکان پذیر خواهد ساخت. ملایمت در برابر نیروهای
متخاصم، هیبت و جبروت الهی انقلاب را در نظر آنان کاهش داده
و دلپهای آنها را از رعب و وحشت از حرکت اسلامی، که لازمه
پیشروی نیروهای اسلام است، خالی خواهد ساخت.

۵- نرمش و رحمت:

«فبما رحمة من الله لنت لهم ولو كنت فظاً غليظ القلب لا تلقوا من
حولك» (آل عمران - ۱۵۹)
وجه رحمت و عطف در برابر مؤمنان و خاضعان در برابر اسلام،
حتی نیروهای کفر غیر متخاصم از وجوه جاذبه آفرین اخلاق سیاسی
اسلام است.

۶- عدالت:

«ان الله لا يحب المعتدين» (بقره ۱۹۰)
«لا يجرم منكم شأن قوم على الأعداء، اعدلوا، اعدلوا هو اقرب
للتقوى» (مائده ۸)
حفظ حدود عدالت و اجتناب از تعدی - حتی در مقابله با
مخاربین و متخاصمین - از اصول اساسی سلوک سیاسی اسلامی است و بر این
مبناست که در هیچ موردی نباید به بغض ها و کینه ها مجال شکستن
مرزهای عدالت اسلامی و تعدی را داد.

۷- رازداری:

خوی رازداری باید خصیصه اصلی مدیران سیاست خارجی و
سیره سیاسی اسلام باشد و اهمیت آن در رابطه با ابعاد خصوصی که